



نخست هر گونه حرکت تروریستی در هر نقطه ای از جهان، چه گونه دولتی آن باشد و چه گروهی یا شخصی، که به کشتار انسان های بیگناه سرانجامد محکوم است - بویژه یورش تروریستی دیروز شنبه ۲۲ سپتامبر که در شهر هُرمز اردشیر (اهواز اسلامی!)، در استان خوزستان رخ داده و به هلاکت رسیدن چند پاسدار و جانباختن (شهادت) تنی چند از هم میهنان بیگناهمان از جمله سربازان وظیفه ارتش سرانجامیده و بنوبه خود با بازماندگانشان ابراز همدردی کرده و به آنان آرامش باد می گویم.

دوم، این حرکت تروریستی اکنون دو واکنش از سوی ایرانیان را با خود به همراه داشته است. گروهی این رخداد را به گروه داعش، یا گروه های ایرانستان خواه عرب موسوم به "الاحوازی" نسبت داده (که در ده سال گذشته بارها هشدار داده بودم [۱])، و گروهی دیگر آن را کار خود روضه خوانان دانسته و بر این باورند که برای دور سازی افکار مردم ایران از نابسامانی های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کنونی در کشور طراحی و اجرا شده است! ولی حقیقت امر اینست که مهم نیست مسئول این رخداد غیر انسانی آیا خود رژیم بنیادگرا و تروریستی روضه خوانان است یا عرب های تروریست یا داعشی! زیرا، نه تنها جمهوری اسلامی، داعش و گروه های تروریستی عرب در ایران، پرداخته و دست پرورده بیگانگان می باشند، بلکه در نهایت از یک خوی، سرشت و نهاد ایرانستیزانه برخوردار و در راستای یک هدف انجام وظیفه می کنند: "تکه پاره سازی و نابودی کامل ایران و ایرانی" [۲]، بر اساس طرح برنارد لوئیس [۳].

در هر روی، این رخداد حامل یک هشدار دیگری برای ملت ایران بوده است که شوربختانه مانند چهار دهه گذشته به آن گوش کری داده خواهد داد: "هر روزی که از عمر این رژیم ضد ایرانی روضه خوانان می گذرد، ایران گامی دیگر به ایرانستان شدن ایران و ایرانی به داشتن سرانجامی همچون مردم لیبی و عراق و سوریه نزدیکتر می شود!"

از آن روی، مردم ایران بایستی امروز تصمیم گیرند که آیا می خواهند نیرو و وقت پر ارزش خود را معطوف این جریانات سازند که سرانجام ناخواسته به بقای رژیم ایرانستیز و مشروعیت دادن به این گروه های ضد ایرانی یاری رسانی می شود، یا بجایش متحد گشته و رژیم را سرتگون سازند؟

سرتگون سازی رژیم و پایه گذاری یک نظام ملی-میهنی بجای آن، که به ارزش ها، باورها و فرهنگ ایرانی و نیز دموکراسی، لائیسیته و ایران یک ملتی و تک ملیتی پایبند باشد، تنها راهی است که تاریخ انقضای همه □ گروه های تروریستی و ایرانستیز را به سر خواهد آورد. [۴] بنابراین، تصمیم با ملت است: آزادی خود، فرزندان شان و آبادانی ایران - یا - تباهی خود، آوراگی فرزندان شان و نیستی ایران!

فروغ اهورایی، همواره پاسدار و نگهبان ایرانزمین و ایرانیان باد!

شاپور سورنپهلو

روز امرداد از ماه مهر سال ۳۷۵۶ بهدینی

۲۳ سپتامبر ۲۰۱۸ ترسایی

بازبردها [منابع] و فرامودها [توضیحات]:

---

۱ - سورنپهلو، شاپور، "سایه لاشخوران بروی خاک ایران: افزایش فعالیت‌های غریبان برای جداسازی خوزستان و دیگر سرزمینهای نفت خیز از ایران"

و - سورنپهلو، شاپور، " گروه های تروریستی عرب، مناطق نفت خیز ایران و نقشه خیالی امیرنشین الاحواز"

۲ - سورنپهلو، شاپور، " آیا قادسیه دوم و «پروژه ایرانستان» در راه است؟"

و - سورنپهلو، شاپور، " پروژه ایرانستان: نقشه جدید آمریکایی ها برای پیاسازی جنگی میان ایران و کشورهای عرب"

و - سورنپهلو، شاپور، " آتشی در زیر خاکستر: شلعه ور ساختن جنگی میان عربستان و ایران و تغییرات زیربنایی در منطقه"

۳ - سورنپهلو، شاپور، " برنارد لوئیس، طراح تجزیه ایران، پدرخوانده بنیادگرایی اسلامی، سازنده ولایت فقیه و پدر معنوی جمهوری اسلامی را بشناسید"

۴ - میکرب ها در جاهایی رشد و نمو می کنند که زمینه برای آنان مستعد باشد و رژیم اسلامی نقش زمینه برای گروه های ایرانستان خواه [تجزیه طلب] را ایفا می کند! رژیم اسلامی در چهار دهه گذشته برای بقای خود، در راستای سیاست "جدایی انداز و حکومت کن"، دست به قوم سازی، مرزبندی مردمی، تفرقه و نفاق زده است، که نتیجه آن پدیدار شدن

این میکرب ها در ایران شده است! بنابراین، برای نابودی میکرب ها بایستی زمینه رشد و نمو آنان را خشک کرده و از جامه خود بزائیم - که اگر نزدائیم بدون هیچ گمانی "ایران، ایرانستان خواهد شد"! بگفته ای ساده تر، وجود رژیم جمهوری اسلامی موجب ایرانستان شدن ایران می شود، نه سرنگونیش و هر روزی که عمرش بگذرد، درصد ایرانستان شدن ایران بهرآتب بیشتر خواهد شد!

□